

## تعارض ماده ۹۷۶ با ماده ۹۷۷ قانون مدنی

### راجع بقبول تابعیت

یکی از مباحث مهم قانون مدنی فصل مربوط بتابعیت است که بعضی از مواد آن شایسته بحث و انتقادات و جا دارد قانونگذارن باصلاح آن همت گمارند ما در اینجا از مواد ۹۷۶ و ۹۷۷ که بیش از همه قابل بحث بوده و باهم تعارض دارند بحث نموده نکاتی را که در عمل بان برخورد نموده تعارض آنها را باهم خاطر نشان میسازیم.

بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی مقرر میدارد:

« کسانی که در ایران از پدریکه تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن بسن ۱۸ سال تمام لاقلاً یکسال دیگر نیز در ایران اقامت کرده باشند، والا قبول شدن آنها بتابعیت ایران برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحقیق تابعیت ایران مقرر است »  
ماده ۹۷۷ قانون مذکور چنین مقرر داشته است:

اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن بسن ۱۸ سال تمام تا یکسال بتابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت خارجه نمایند و تصدیق دوات متبوع پدرشان دایر بر اینکه آنها را تبعه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد»  
حال برای روشن شدن مطلب موردی را که در عمل پیش آمده بعنوان مثال ذکر میکنیم:

طفلی از پدر خارجی و از مادر ایرانی در ایران متولد شده و اداره آمار برای این طفل شناسنامه ایرانی صادر کرده است

و طفل مذکور ممکن است بطرقی مانند وراثت از مادر متوفاه یا از محل سرمایه ای (که پدر ولایتاً برای او معین نموده است. دارای ملک و مالی بشود.)

هر گاه این طفل قبل از ۱۸ سالگی فوت نماید و برای ماترک او درخواست تصدیق انحصار وراثت بشود آیا طفل متوفی تبعه ایران شناخته میشود و ماترک او طبق قوانین ایران بوراثت میرسد یا تبعه دولت پدر شناخته شده و طبق قوانین آن دولت باید درباره وی رفتار شود ؟

بعقیده اینجانب شاید بتوان بطریق ذیل رفع اشکال نمود: یکی از موارد تابعیت ایران بموجب حقوق خاک (سیستم خاک) مورد مذکور در شق ۵ از ماده ۹۷۶ است که شق ۵ ماده مذکور شایسته بحث است زیرا بموجب شق ۵ برای قبول چنین طفلی بتابعیت ایران دوش شرط لازم است:

۱ - متولد شدن در ایران از پدر خارجی .

۲ - اقامت یکسال پس از رسیدن بسن ۱۸ در ایران.

ویا توجه بعناصر فوق الذکر همچنین باملاحظه قسمت دوم آن که تکلیف مفهوم مخالف قسمت اول را تعیین میکند معلوم میشود که ماده مزبور حصول تابعیت (ملیت) ایران برای یکنفر متولد از پدر خارجی منوط با اقامت یکسال پس از رسیدن بسن بلوغ دانسته است! بطور کلی در مسائل قضائی معمول این است که هر وقت معین حصول امری را مقید بوقوع شرطی مینماید آن عمل را وقتی میتوان واقع شده پنداشت و آثار حقوقی بر آن بار نمود که آن شرط نیز با آن حاصل شده باشد

پس روی این استدلال باید گفت که امکان تحصیل ملیت ایرانی برای مشمولین فقره ۵ ماده ۹۸۶ یکسال بعد از رسیدن بسن ۱۸ یعنی در ۱۹ سالگی حاصل خواهد شد و آنگاه نتیجه چنین میشود که آن شخص تا ۱۹ سالگی تبعه خارجه بوده و بایستی در احوال شخصیه او قانون کشور خارج حکومت کند

ولی بند ۵ ماده فوق الذکر بامنتوق ماده ۹۷۷ که قبلا بذکر آن مبادرت شد تعارض دارد زیرا بموجب ماده ۹۷۷ که گفته است:

### « اشخاص مذکور در بند ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن بسن ۱۸

سال تمام یکسال تابعیت پدر خود را ( که خارجی است) قبول کنند» اینطور استنباط میشود که این اشخاص تا قبل از رسیدن بسن ۱۸ سال ایرانی هستند و بعداً حق دارند از تابعیت ایرانی بتابعیت خارجی درآیند و ماده ۹۷۷ قانون مدنی بمشمولین فقره ۵ ماده ۹۷۶ حق میدهد که پس از رسیدن بهیجده سال تمام با دادن اظهاریه کتبی بضمیمه تصدیق دولت پدر خود بوزارت امور خارجه بتابعیت پدر خود را قبول کند و بامداقه در اصل فوق معلوم میشود که تا آن تاریخ دولت ایران آنها را تبعه خود شناخته است یعنی بموجب ماده ۹۷۷ اطفال مشمول شق ۵ ماده ۹۷۶ از هنگام تولد تا سن ۱۸ سالگی تبعه ایران هستند که پس از این سن باتشریفاتى اجازه قبول تابعیت پدر خارجی بآنها داده شده است و حال آنکه در ما نحن فیه طفل متوفی که در ایران بدنیا آمده بموجب سیستم خاک باید تبعه دولت ایران شناخته شود

بعلاوه چون ماده ۹۷۷ بعد از ماده ۹۷۶ وضع شده و وارد بر آن است تحمیل بتوان سرنوشت طفل متوفی را تابع قانون ایران دانسته و بعبارت اخری احوال شخصیه او را تابع قوانین ایران قرار داد

علیهذا موضوع قابل بحث است و نظر همکاران محترم قضائی و حقوقدانان کشور را نسبت بان جلب سی نماید